

جایگاه آیه مباحله در مطالعات کلامی فریقین

سیدمحمدتقی موسوی کراماتی*

دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت فارسی: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش فارسی: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲)

(تاریخ میلادی دریافت: ۲۰۲۰/۰۶/۰۱؛ تاریخ میلادی پذیرش: ۲۰۲۰/۰۸/۲۳)

چکیده

آیه مباحله، جزء نمایان‌ترین آیاتی است که از دیرباز در متن گفتگوهای کلامی فریقین رایج بوده است. متکلمان امامی بر آن بوده‌اند که در پرتو دلالت معنایی آیه مباحله، پشتوانه ای قرآنی برای بنیان‌های مرامی شیعه فراهم سازند. امامت، افضلیت امام و عصمت، از درخشان‌ترین دریافت‌هایی است که در پژوهش‌های کلامی شیعه از آن یاد شده است اما در مقابل، متکلمان اهل سنت به جز اثبات نبوت، سایر وجوه معنایی که شیعه بدان استناد می‌جوید؛ برنتابیده است و در پیمایش کلامی خویش، کوشیده است با رویکردی سلبی با ادله‌ای چون پیامبر، مقصود معنایی انفسنا، کودک بودن حسنین و ترجیح مفضول بر فاضل، دلالت آیه را در حد یک فضیلت ساده فرو کاهد. اما متکلمان امامی با بهره‌گیری از ادله عقلی، نقل‌های روایی، دریافت‌های تفسیری، قواعد ادبی و گزارش‌های تاریخی در جایگاه دفاع از دریافت‌های معنایی که از آیه مباحله دارند؛ آراء متکلمان عامه را به چالش کشیده‌اند که برآیند آن در اثبات افضلیت تابناک اهل بیت ظهوری روشن دارد.

واژگان کلیدی: آیه مباحله، افضلیت، امامت، عصمت، کودک حسنین.

مقدمه

روزی که مسیحیان نجران در آوردگاه پایانی شناخت حق حاضر شدند تا خدا میان آنان با پیامبر، حکمش را با نزول عذابی از بین برنده جاری کند. روز ۲۵ ذی‌الحجه سال دهم هجرت، قراری است که برای اجرای این ماجرای بزرگ تعیین شد با فرا رسیدن روز موعود، حضرت ختمی مرتبت با جمعی پنج نفره متشکل از امام علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین به مصاف مسیحیان آمد از آن سو مسیحیان که حضور پیامبر را در هیئتی جز این انتظار داشتند با نظاره به این جمع مصمم که وجودشان آکنده از نور یقین و ایمان بود به تردید افتادند در این میان یکی از نمایندگان مسیحیان به دیگری گفت صورت‌هایی را می‌نگرم که اگر از خدا بخواهند، کوه‌ها را از جایشان به در می‌آورد پس مبادا با اینان به مباهله برخیزید. بدین سان مسیحیان از انجام مباهله سر برتافتند و به پرداختن جزیه گردن نهادند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲، ۷۶۲) و کلام باری تعالی چنین از این رویداد بزرگ سخن گفته است:

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾
(آل عمران/۶۱).

پس هر که در این [بارة] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم»

باری آیه مباهله از شمار آیاتی است که دانش‌های گوناگون اسلامی، کم و بیش، بخشی از کوشش‌های پژوهشی خود را به سوی این رخداد بزرگ اسلامی سوق داده‌اند. دانش‌های تفسیر، حدیث، تاریخ و کلام بنا بر رسالت علمی خود دریچه‌ای ویژه فرا روی موضوع مباهله گشوده‌اند. آنچه بایستگی بررسی رخداد

مباهله را افزون می‌نماید، پردازش گسترده‌ای است که از سوی پژوهش‌گران فریقین پیرامون آن انجام گرفته است. هر چند اجماع مثال زدنی در اصل رخداد و حتی حضور اهل بیت خیره‌کننده است اما اختلاف نظرهای بنیادینی در کارکرد معنایی مباهله از سوی دو طیف باعث گردیده‌است بحث‌های جدی و دامنه‌داری در طول تاریخ پیرامون این آیه پدید آید. دانش کلام از جمله دانش‌هایی است که صحنه پژوهش‌گران آن شاهد برداشت‌هایی است که هر کدام از دو طیف کلامی سعی در اثبات و نفی برداشت‌های دیگری داشته است.

امامیه با رهیافتی اثبات‌گرایانه آیه مباهله را خاستگاهی برای اثبات باورهای مرامی خود می‌شناساند و کارکرد معنایی آیه مباهله را به صورت بیرونی در حقانیت اصول اعتقادی خویش تفسیر می‌نماید، از آن سو متکلمان اهل سنت نیز همواره بر آن بوده‌اند تا از فروغ معنایی آیه در وجوهی که شیعه به آن استناد می‌جوید بکاهند. این نوشتار بر آن است تا آمد و شده‌های علمی برخاسته از دریافت‌های کلامی فریقین به صورت تطبیقی بازنمایی کند تا از این منظر قوت استدلال و صحت دریافت‌های هر دو طیف کلامی به صورت روشنی بازسازی نماید. هر چند در این زمینه نگارش‌های فراوانی پدید آمده‌است که بیان آن در این نوشتار نمی‌گنجد اما به طور نمونه می‌توان به مقاله امامت در آیه مباهله از دیدگاه امامیه و اشاعره (ر.ک؛ محمد معینی فر، لیلا سادات داوودی، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۰) اشاره کرد که به صورت جزئی اجزاء تشکیل‌دهنده آیه را همچون (انفسنا، ابنائنا، نساائنا) را از منظر امامیه و اشاعره به بحث گذاشته است. تفاوتی که مقاله حاضر با سایر مقالاتی از این دست دارد آن است که به صورت کلی همه طیف‌های کلامی فریقین را همچون معتزله نیز دربر می‌گیرد علاوه بر این بیش از آنکه نوشتار حاضر صبغه تفسیری داشته باشد به نتایجی پرداخته‌است که با وجود تثبیت معنای تفسیری آن، آثار معتنابهی در مطالعات کلامی بر جای می‌نهد.

۱. دیدگاه شیعه

متکلمان شیعه در مطالعات کلامی خود به صورت گسترده از آیه مباهله سود برده‌اند. آنان کوشیده‌اند از افق معنایی آیه مباهله در پرتو کاوش‌های عقلانی همه لوازم معنایی که می‌تواند در تأیید و تکمیل ساختار اعتقادی شیعه به کار آید؛ به دست آورند.

۱-۱. افضلیت

افضلیت اهل بیت از مهم‌ترین برداشت‌های کلامی است که از آیه مباهله در آراء متکلمان شیعه دیده می‌شود. دلایل افضلیت امیرالمومنین به دو صورت اجمالی و تفصیلی از سوی متکلمان شیعه طرح شده‌است، که آیه مباهله را ذیل افضلیت اجمالی و کلی که خالی از بیان جهتی خاص از افضلیت است گنجانده‌اند (ر.ک؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۳: ۳۸۳؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۵۴۲، ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ۲۷) برتری و افضلیت، ابعاد گوناگونی را در برمی‌گیرد که البته در پاره‌ای از انگاره‌های موجود به وفاق نرسیده‌اند.

۱-۱-۱. برتری بر صحابه

اصل افضلیت از مهم‌ترین اصولی است که شیعه در کنار نص و عصمت، وجوب امامت را نتیجه می‌گیرد (ر.ک؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۵۶۹). البته از جهت مقامی، اثبات این برتری پایین‌ترین سطح از سطوح معنایی افضلیت اهل بیت است که متکلمان شیعه آن را در مجموع مطالعات کلامی از نظر گذرانده‌اند. متکلمان امامیه با استفاده از آیه مباهله چنین افضلیتی را برای امام علی ثابت می‌دانند (ر.ک؛ خواجه نصیر الدین طوسی، ۱۴۰۷: ۲۶۷؛ حلی، ۱۴۱۳: ۳۸۵؛ حلی، ۱۳۶۵: ۱۲). در این باره وجوب اصل افضلیت در قلمرو امامت مد نظر قرار داده‌اند زیرا جز این باشد، دو فرض فرا روی مقوله امامت گشوده می‌شود که هر کدام، از فقدان ارزش و اعتبار عقلی و علمی رنج می‌برد. در صورت تساوی ترجیح

بلامرجح لازم می‌آید بدین معنا که بدون هیچ مزیتی و غایتی و جهتی یکی بر دیگری رجحان یابد که در پیشگاه عقل و خرد چنین کرداری ناشایست است یا آنکه تقدیم مفضول بر فاضل سر بر می‌آورد که این نیز از آن یکی از قبح فزون تری رنج می‌برد بنابراین هر یک از این دو فرض از حیث عقلی برای یک نظام حکیمانانه فاقد توجیه کارکرد منطقی و خردورزانه است (ر.ک؛ خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷: ۲۲۲؛ حلی، ۱۴۱۳: ۳۶۶). علامه حلی در تبیین اصل فضیلت با محوریت آیه مباهله آن را چنین تقریر نموده است: مساوی‌الافضل افضل: آنکه با افضل مساوی است افضل است (ر.ک؛ حلی، ۱۳۶۵: ۱۲).

شیخ مفید در نقد روایتی در منابع اهل سنت از امام علی چنین نقل شده است: *عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَنَّهُ قَالَ لَأُوتَى بِرَجُلِي فَضْلِي عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ إِيَّانَا جَلْدَتُهُ جَلْدَةَ الْمُفْتَرِي*. (ر.ک؛ عمر بن ابی عاصم، ۱۴۱۳: ۵۶۱)^۱ نزد نمی‌آرند کسی را که مرا بر ابوبکر و عمر برتری داده باشد جز آنکه حد افترا زننده بر او جاری می‌کنم.

پس از آنکه راوی و گزارشگر این روایت یعنی سوید بن غفله را فاقد امتیاز توثیقات رجال‌شناسانه دانسته است با تمسک به آیه مباهله از حیث محتوایی نیز بی‌اعتباری آن را ثابت می‌کند (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۶۷).

۱-۲. برتری بر پیامبران

شیخ مفید از انگاره‌های متفاوت درباره آراء شیعه در خصوص برتری امام علی بر انبیاء خبر داده است. او می‌گوید بیشتر متکلمان شیعه بر این باورند پیامبران از امام علی برترند اما اهل حدیث و گروهی دیگر از متکلمان، امام علی را برتر از همه انسان‌ها به جز رسول خدا دانسته‌اند. گروهی اندک نیز موضع توقف را برتری داده‌اند و شماری هم بر این اعتقادند که امام علی از همه انسان‌ها به جز پیامبران اولوا العزم برتر است. شیخ مفید پس از گزارش نگرش‌های مختلف شیعه، دیدگاهش را در این باره ابراز می‌دارد. وی در صدر بیان شواهد برتری

امام علی از آیه مباهله سخن به میان آورده است. آنچه جالب توجه می‌نماید آن است که شیخ مفید درباره آیه مباهله می‌گوید اگر دلیل دیگری بر برتری رسول خدا بر امام علی وجود نداشت چنین تفاوت مقامی به خاطر آیه مباهله هیچ‌گاه به دست نمی‌آمد اما بنا بر ادله دیگر مقام برتر رسول خدا ثابت می‌شود ولی حفظ این برتری بر دیگر انسان‌ها به قوت خود باقی است (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۸-۲۳).

شیخ مفید در یکی دیگر از آثار خود پس از بیان مطلب فوق می‌گوید بر اساس اخباری که از رسول خدا درباره امام علی و ائمه علیهم‌السلام و همچنین روایاتی که از ائمه در این باره رسیده و با نظر به برخی از آیات قرآنی، دیدگاه برتری امام علی بر پیامبران تقویت می‌شود (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۱).

فاضل مقداد در این باره دیدگاهی ویژه به دست می‌دهد؛ او برتری امام علی بر همه انبیاء به جز رسول خدا را می‌پذیرد، اما درباره این برتری، برای سایر ائمه با یک قید همراه ساخته است وی برتری ائمه بر انبیاء به جز پیامبران اولوا العزم به دیده قبول نگریسته است؛ اما در این باره که آیا ائمه از پیامبران اولوا العزم برترند توقف کردن را ترجیح داده است: «و أمّا أولو العزم فعندی فی ذلک توقّف، و اللّهُ أعلم» (فاضل مقداد، ۱۴۲۰: ۱۶۹) لازم به ذکر است که او می‌گوید شیخ مفید در این باره که آیا ائمه به صورت کلی بر انبیای اولوا العزم برترند توقف نموده است حال آنکه چنان که آمد با گردآوری آراء شیخ مفید در آثار مختلف روشن می‌شود که او دیدگاه نخست را برگزیده است هر چند نشانه‌هایی از تحول در رأی او دیده می‌شود.

لاهیجی از متکلمان متأخر شیعه نیز با نظر به تساوی که میان پیامبر و امام علی طبق تعبیر انفسنا به دست می‌آید به برتری امام علی بر انبیای ما تقدم حکم نموده است (ر.ک؛ لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱، ۳۳۳).

انعکاس چنین موضوعی در مطالعات کلامی واکنش حدیث‌پژوهان را برانگیخته است تا آنجا که علامه مجلسی بابی در بحار الانوار تحت عنوان «تفضیلهم ع علی

الأنبياء و على جميع الخلق و أخذ ميثاقهم عنهم و عن الملائكة و عن سائر الخلق و أن أولى العزم إنما صاروا أولى العزم بحبهم صلوات الله عليهم» گشوده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶، ۲۶۷) او در این باب ۸۸ روایت گرد آورده است. در ادامه به صورت کوتاه چند روایت از این مجموعه ذکر می شود:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ أَنْتَ خَيْرُ الْبَشَرِ لَأَ يَشْكُ فَيْكَ إِلَّا كَافِرٌ» (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۲، ۵۹؛ صدوق، ۱۴۱۴: ۷۷). یا علی تو بهترین انسان هستی درباره تو جز کافر شک نمی کند. شایان ذکر است قندوزی از عالمان شناخته شده اهل سنت سه روایت با اندک اختلاف اما با همین مضمون گزارش نموده است (ر.ک؛ قندوزی، ۱۳۶۴: ۲، ۲۷۳).

«يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَشْرَفَ عَلَيَّ الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي مِنْهَا عَلَيَّ رِجَالِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ أَطَّلَعَا الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَيَّ رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدِي ثُمَّ أَطَّلَعُ الثَّالِثَةَ فَاخْتَارَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ عَلَيَّ رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدَكَ ثُمَّ أَطَّلَعُ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَيَّ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۱، ۲۰۶؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۴، ۳۷۴؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۶۴۲). یا علی خداوند بر دنیا توجه کرد و مرا از میان همه بشر برگزید بار دیگر توجهی کرد و این بار تو را بر همگان برگزید سپس توجهی دیگر کرد و امامان از فرزندان تو را بر همه بشر برگزید و برای بار چهارم توجهی کرد و این بار فاطمه را به عنوان برترین زن از عالمیان برگزید.

«قَالَ النَّبِيُّ ص الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدِي وَبَعْدَ أَبِيهِمَا وَأُمَّهُمَا أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ» (صدوق، ۱۳۷۸: ۲، ۶۲). حسن و حسین پس از من و پدرشان بهترین انسانها هستند و مادرشان فاطمه از برترین زنان عالم است.

علامه مجلسی تصریح می کند آنچه از روایات مطروحه ذیل باب مذکور به دست می آید اثبات برتری پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام بر همه انبیاء است که هیچ تردیدی در حقیقت آن ممکن نیست. او می افزاید آنچه در این باب احصاء

نموده کمتر از آن چیزی است که در این باره وجود دارد (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶، ۲۹۷).

روایتی از امام صادق در این باره رسیده که می‌تواند فصل الخطاب همه این گفتگوها باشد زیرا این روایت بر اساس یک دلیل قرآنی و به صورت منطقی برتری امام علی از ظاهر آیه استنتاج نموده‌است افزون بر این، آنچه بر پایه این حدیث برای امام علی ثابت می‌شود، سایر ائمه را هم بر پایه همین منطبق در بر می‌گیرد. در این روایت، آشکارا از برتری امام علی بر حضرت عیسی و موسی سخن به میان آمده‌است آنچه جالب توجه می‌نماید محور گفتگوی این حدیث درباره‌ی باور شیعیان پیرامون برتری امام علی بر پیامبران است:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُ الشَّيْعَةُ فِي عِيسَى وَ مُوسَى وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّ عِيسَى وَ مُوسَى أَفْضَلُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ فَقَالَ أَيْزَعُمُونَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَدْ عَلِمَ مَا عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ قُلْتُ نَعَمْ وَ لَكِنْ لَا يُقَدَّمُونَ عَلَى أَوْلَى الْعَزْمِ مِنَ الرَّسُلِ أَحَدًا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَخَاصِمُهُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ قَالَ قُلْتُ وَ فِي أَيِّ مَوْضِعٍ مِنْهُ أَخَاصِمُهُمْ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمُوسَى كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ عَلِمْنَا أَنَّهُ لَمْ يَكْتُبْ لِمُوسَى كُلَّ شَيْءٍ وَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِعِيسَى وَ لِأَيُّبَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمُحَمَّدٍ ص وَ جِنَّا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (ر.ک؛ محمد بن صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱، ۲۲۷).

در این باره گفتنی است می‌توان بر اساس ساز و کاری که برتری و افضلیت امام علی بر همه انبیاء ثابت می‌شود، افضلیت دیگر امامان را با همان شیوه به دست آورد؛ زیرا برتری امام علی با عطف به تعبیر «انفسنا» و در یک قالب کاملاً نقلی به دست آمد هر چند که از حیث عقلی این امکان به صورت ثبوتی وجود دارد که فردی خارج از مقام نبوت برتر از نبی باشد چنان که حضرت مریم بر زکریای نبی برتری

یافت اما بدون در نظر گرفتن شواهد نقلی نمی‌توان با قطعیت به چنین نتیجه‌ای اطمینان حاصل کرد حال با بررسی متون نقلی، گزاره‌هایی به دست می‌آید که از جهت معنایی همان واقعیت معنایی افاده می‌کند که به صورت منطقی درباره امام علی به چنین حکمی رسیده‌است. جای بسی تعجب است چگونه عده‌ای از متکلمان شیعه با همین روش به فضیلت امام علی دست یافته‌اند اما همین روش با وجود داشتن همه آن عناصری که قاعده‌اش برای دستیابی به نتیجه، کامل می‌کند برای صدور حکم بر مصادیق دیگر از نفس افتاده است!! نمونه آن، روایات ذیل در صدور معنایی همان نتیجه‌ای به دست می‌دهند که البته در درجه‌ای بالاتر اصطلاح انفسنا افاده می‌کند: «أَنَّ فَاطِمَةَ بَضَعَتْ مِئِيَّ وَ أَنَا مِنْهَا فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ» (صدوق، ۱۳۸۵: ۱، ۱۸۶). (فاطمه پاره تن من است و من از او هستم هر کس او را بیازارد مرا اذیت کرده‌است و هر کس مرا بیازارد خدا را اذیت کرده‌است.

«فَاطِمَةُ بَضَعَتْ مِئِيَّ، فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي» (ر.ک؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۶، ۱۲۱، مسلم، بی‌تا: ۴، ۱۹۰۳، ترمذی، ۱۴۰۳: ۵، ۵۱۱، نسایی، ۱۴۱۱: ۵، ۹۷، احمد بن حنبل، ۱۴۱۹: ۲۶، ۴۶). فاطمه پاره تن من است هر کس او به خشم آرد مرا به خشم آورده‌است. «حُسَيْنٌ مِئِيَّ، وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ. أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا» (ر.ک؛ ابن ماجه، بی‌تا: ۱، ۱۵۲، ترمذی، ۱۴۰۳: ۵، ۴۷۵، احمد بن حنبل، ۱۴۱۹: ۲۹، ۱۰۲، ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۵۲، ابن مغربی، ۱۴۰۹: ۳، ۸۸، سید مرتضی، ۱۹۹۸: ۱، ۲۱۹). حسین از من است و من از حسین. هر کس دوستدار حسین باشد خدا دوستدار او است.

افزون بر محوریت دادن رسول خدا برای رسیدن به نتیجه فضیلت ائمه، جستن راهی دیگر نیز چنین امکانی فراروی ما می‌نهد. با حد وسط قراردادادن قرآن در این گفتار به روشنی اصل فضیلت رخ می‌تاباند. وقتی برون داد قاعده تساوی با افضل (رسول خدا) فضیلت می‌شود نتیجه تساوی با کتاب خدا هم، همان می‌شود که با تساوی پیامبر به دست آمده‌است. رسول خدا در روایت

ثقلین که در بالاترین سطح اعتبار کاوش‌های دانش حدیث فریقین جای گرفته است چنین تساوی میان اهل بیت با کلام الهی برقرار ساخته است:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (ر.ک؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۹: ۱۷، ۱۷۰، مسند، ۱۳۴۹، ۴: ۲۰۹۰، ترمذی، ۱۴۰۳: ۵، ۴۷۹، کلینی، ۱۴۲۹: ۲، ۲۵، صدوق، ۱۳۶۲: ۱، ۶۵، صدوق، ۱۴۰۳: ۵۸).

۱-۱-۳. برتری بر فرشتگان

این موضوع یکی از مسائلی است که آراء گوناگونی از انگاره‌های کلامی میان شیعه و اشاعره و معتزله در اطراف آن پدید آورده است. البته اصل بحث درباره برتری انبیاء بر فرشتگان است که شیعه آن را به موضوع امامت نیز تسری داده است. سید مرتضی علاوه بر اینکه برتری پیامبر بر فرشتگان میان امامیه یک امر اجماعی خوانده است از حضور این باور به صورت عمومی درباره ائمه نیز خبر می‌دهد (ر.ک؛ سید مرتضی، ۱۹۹۸: ۳، ۳۳۳، سید مرتضی، ۱۴۰۵: ۱، ۱۰۹) علامه حلی با استفاده از آیه مباهله که تساوی امام علی با رسول خدا افاده می‌کند راهی برای اثبات برتری امام علی بر فرشتگان گشوده است. وی می‌گوید از آنجایی که رسول خدا برتر از فرشتگان است و امام علی طبق آیه مباهله مثل پیامبر است پس امام علی برتر از فرشتگان است (ر.ک؛ حلی، ۱۴۰۹: ۳۲۶). در واقع علامه حلی بر اساس قاعده حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد، عمل نموده است. بیاضی نیز با بهره‌مندی از آیه مباهله به چنین نتیجه‌ای در تأملات کلامی دست یافته است. او می‌گوید سجده‌ای که فرشتگان در برابر حضرت آدم نمودند روشنگر برتری او بر آنهاست این در حالی است که مقام رسول خدا از او برتر است و چون امام علی نفس نبی است پس امام علی نیز از فرشتگان برتر است (ر.ک؛ بیاضی، ۱۳۸۴: ۱، ۱۳۱).

۱-۲. امامت

نقش آیه مباهله در ساختار اعتقادی شیعه با نظر به گزارش سعد بن عبدالله اشعری قمی از فرقه‌های مختلف شیعی بیشتر روشن می‌شود شیعه دوازده امامی نخستین جریان‌ی است که او از آن نام می‌برد. وی در بیان ویژگی‌های اندیشگی و مرامی این مکتب به موارد گوناگونی همانند مفروض الطاعه بودن امام علی، شجاعت، جهاد، سخاوت، عصمت و طهارت اشاره می‌کند وی در ادامه ادله‌ای که بر اساس آن امامت امام علی ثابت می‌شود از نظر گذرانده است آنچه در این باره در خور توجه می‌نماید آن است که او تنها یک آیه نام می‌برد که امامیه بر اساس آن به اثبات باورهای خویش برخاسته‌اند و آن آیه مباهله است:

«و اذ جعله نظیر نفسه فی حیاتیه، و انه اولی بهم بعده، کما کان هو صلی الله علیه و آله اولی بهم منهم بأنفسهم، إذ جعله فی المباهلة کنفسیه، بقول الله: و انفسنا و انفسکم» (سعد بن عبدالله، ۱۳۶۰: ۱۶).

علامه حلی در منهاج الکرامه ذیل باب (فی الأدلّة الدالّة علی إمامة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم) (ر.ک؛ حلی، ۱۳۷۹: ۱۱۳) آیه مباهله را به عنوان یکی از این ادله برمی‌شمارد وی در توضیح دلالت معنایی آیه مباهله بر این معنا چنین استدلال می‌کند این آیه روشن‌ترین دلیل بر ثبوت امامت امیرالمؤمنین است: (و هذه الآية أدلّ دلیل علی ثبوت الإمامة لعلی علیه السلام)؛ چرا که خداوند امام علی را نفس رسول خدا خوانده است از حیث معنایی برداشت اتحاد از این تعبیر محال است پس آنچه از دریافت معنایی آیه باقی می‌ماند برداشت تساوی از فحوای این تعبیر است وقتی تساوی معنایی میان امیرالمؤمنین با رسول خدا در مفهوم (انفسنا) ثابت شد اثبات ولایت عامه نیز برای امام علی به دست می‌آید؛ زیرا هر آنچه برای رسول خدا ثابت است با فقدان مانع بر امام علی طبق همان قاعده

جاری می‌شود. علامه حلی از آیه مباهله مطابق با افاده‌ای که از معنای خاص فضیلت امام علی به دست می‌دهد جهت معنایی آیه مباهله را به سمت اثبات امامتشان می‌دهد. وی گوید در صورتی که افرادی دیگر در جایگاهی مساوی با اهل بیت برای استجاب دعا جایی داشتند خداوند، پیامبر را حتما در افزودن آنان بدین جمع امر می‌کرد پس از اثبات این اصل مطابق با معنای فضیلت امامت نیز محقق می‌شود (ر.ک؛ همان، ۱۲۴).

لازم به ذکر است که امامت، مولود اثبات فضیلت امام علی بر همه اصحاب رسول خداست از این رو این دو اصل در فرایند استدلالی امامیه بر اثبات امامت به‌عنوان علت و معلول شناخته می‌شود فاضل مقداد در این باره می‌گوید مردم در همه امور نیازمند امامت هستند و تا امام از همه فضیلت نداشته باشد این نیازمندی محقق نمی‌شود بنابراین برای تحقق اطاعت همگانی واجب است چنین فضیلتی وجود داشته باشد (ر.ک؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۵۶۹). و آیه مباهله به‌عنوان یک حلقه اتصال، این دو اصل را به هم گره می‌زند چنان که ابن میثم بحرانی از فضیلت امام علی و جوب امامت امام علی را نتیجه می‌گیرد او در صدر ادله‌ای که در راستای این بحث به کار گرفته‌است از آیه مباهله نام می‌برد و بسان دیگر متکلمان شیعه حاصل این همانی میان رسول خدا با امام علی را وجوب همه آن چیزی می‌داند که برای پیامبر وجود دارد؛ زیرا مقتضای وحدت میان رسول خدا با امام علی چنین برداشتی را روا می‌دارد (ر.ک؛ ابن میثم بحرانی، ۱۴۱۷: ۱۴۸).

۱-۳. عصمت

برداشت دیگری که از آیه مباهله در بیان صاحب‌نظران دانش کلام شیعه دیده می‌شود پرداختن به وجه معنایی اصل عصمت از این آیه شریفه است البته گفتنی است بازتاب این مسئله به گسترده‌گی مقولاتی چون فضیلت و امامت نیست شاید از آن رو باشد که وقتی فضیلت و امامت و این همانی با رسول خدا در اخلاق و

کمال معنوی ثابت شد عصمت نیز در شمول این قلمرو معنایی جای می‌گیرد زیرا مفهوم انفسنا به باور شیعه در داشتن تمام ویژگی‌های پیامبر به جز رسالت، ظهور دارد و هر آن چیزی که برای پیامبر جز رسالت ثابت شود امام علی نیز مشمول آن خواهد شد. به عنوان نمونه شیخ مفید چنین استنباطی از آیه مباهله نموده است (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱، ۱۷۰). اربلی نیز در اثر کلامی خویش همان را بازگو می‌نماید (ر.ک؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۱، ۲۳۳). مظفر نیز آیه مباهله را معادلی برای عصمت دانسته است (ر.ک؛ مظفر، ۱۴۲۵: ۵، ۳۲۹).

۱-۴. اثبات فرزندى اهل بیت برای رسول خدا

مسئله اثبات فرزندى اهل بیت به رسول خدا از جمله موضوعاتی است که بیش و کم در معرض بعضی از انکارها و تردیدها بوده است هر چند این تکاپوها به صورت اندک گاه و بیگاه از سوی بعضی از افراد دیده می‌شود، اما هیچ گاه به صورت شبهه-ای که همگان را به خود سرگرم سازد، نمودی نداشته است. علت این امر را نیز می‌توان در دلالت آشکار آیه مباهله بر رابطه نسبی میان امام حسن و امام حسین جست. شیخ مفید در گزارش رویداد مباهله از این معنا سخن گفته است:

«نص علی الحکم بأن الحسن و الحسین أبناؤه» (مفید، ۱۴۱۳: ۱، ۱۷۰).

علامه مجلسی نیز جواز انتساب فرزندى امام حسن و امام حسین به رسول خدا را با استناد به آیه مباهله پاسخ داده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳، ۲۳۴) آیت الله سبحانی از متکلمان معاصر شیعه نیز از این آیه چنین برداشتی به دست داده- است (ر.ک؛ سبحانی، ۱۴۲۵: ۱، ۳۴۹).

۲. دیدگاه عامه

متکلمان عامه از طیف‌های مختلف کلامی کوشیده‌اند تا در آنچه از اثبات رویکرد کلامی شیعه به تضعیف باورهای اصولی آنها می‌انجامد، مناقشه نمایند از

این رو آنچه در رهیافت کلامی اهل سنت نسبت به آیه مباحله بیشتر وجود دارد در بردارنده یک جنبه انکاری است.

۱-۲. اثبات نبوت

اثبات نبوت یکی از موضوعاتی است که متکلمان اهل سنت با رهیافتی اثباتی بدان نگریده‌اند. نمونه آن، قاضی عبدالجبار معتزلی، از این رویداد به عنوان نشانه‌ای از نبوت پیامبر یاد می‌کند (ر.ک؛ قاضی عبدالجبار، بی‌تا: ۲، ۴۲۵). او می‌گوید حضور پیامبر در این رخداد، روشنگر اعتماد رسول خدا به پروردگار است و از اطمینان خاطر او به خداوند حکایت می‌کند چرا که دو طرف مباحله فراتر از برد و باخت رقابت‌های معمولی اعتبار و شخصیت خود را در معرض کرامت و فضاحت می‌گذارند (ر.ک؛ قاضی عبدالجبار، همان: ۲، ۴۳۲). لازم به ذکر است قاضی عبدالجبار، حضور اهل بیت را در مباحله پذیرفته‌است و از یکایک اهل بیت نام می‌برد (ر.ک؛ قاضی عبدالجبار، همان: ۲، ۴۲۵).

ابونعیم اصفهانی نیز آیه مباحله نشانه‌ای از حقانیت نبوت رسول خدا دانسته‌است. او نیز بسان قاضی عبدالجبار ذیل هر کدام از ارکان معنایی آیه مباحله از همه اهل بیت یاد می‌کند (ر.ک؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲، ۳۵۴). بیهقی نیز در رویکرد کلامی خود از آیه مباحله چنین استفاده‌ای نموده‌است اما او در بازنشر رویداد مباحله نام امام علی را در همراهی این جمع فرو گذاشته‌است (ر.ک؛ بیهقی، ۱۴۱۵: ۵، ۳۸۸) گفتنی است وی در اثر حدیثی خود در نام امام علی را در شرح ماجرای مباحله قید نموده‌است (ر.ک؛ بیهقی، بی‌تا: ۷، ۶۳).

۲-۲. نفی افضلیت امام علی

این بخش در مطالعات کلامی عامه بسان پژوهش‌های تفسیری (نجفی و موسوی کراماتی، ۱۳۹۴: ش ۲۱، ۱۴۳) دامنه‌ی وسیعی به خود یافته‌است چرا که مرکز

ثقل پژوهش‌های کلامی امامیه که با عطف به آن ساختار اعتقادی امامت را سامان داده‌اند از اثبات افضلیت آغاز گردیده‌است.

۲-۳. ادله نفی افضلیت

متکلمان اهل سنت کوشیده‌اند در برابر ادله‌ای که شیعیان بر اساس آن از آیه مباحله برداشت افضلیت داشته‌اند دلایلی اقامه کنند تا ادله شیعیان در اثبات افضلیت امام علی نارسا و ناتمام انگارند.

۲-۳-۱. قرابت

قاضی عبدالجبار معتزلی در این باره آورده است پیامبر اهل بیت را فقط به این دلیل با خود همراه ساخت که آنان از نزدیکان نسبی او بودند جز این نمی‌توان برداشت دیگری از آیه مباحله داشت البته او در پایان این سخن تصریح می‌کند منکر جایگاه ویژه امام علی نزد رسول خدا نیست و شدت محبت رسول خدا به او را انکار نمی‌کند اما افضلیت امام علی از این آیه به دست نمی‌آید (ر.ک؛ قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵: ۲۰، ۱۴۲) فخر رازی و آمدی نیز همین مسئله را تکرار نموده‌اند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۹۶۵: ۲، ۳۱۶؛ آمدی، ۱۴۲۳: ۵، ۱۶۸).

۲-۳-۲. عدم حضور امام علی

متکلمان عامه در این باره کمتر موضع انکاری اتخاذ نموده‌اند با بررسی این موضوع می‌توان دریافت اجماع قابل قبولی درباره حضور اهل بیت در خداد مباحله وجود دارد اما به‌عنوان یک نظر شاید برخی بدین سو برای فرار از پیام‌های حضور اهل بیت در رویداد مباحله گراییده‌اند. نمونه آن، قاضی عبدالجبار معتزلی کوشیده‌است با این ادعا قوت ادله‌ی شیعه با تضعیف اصل حضور امام علی سست سازد. او می‌گوید در میان شیوخ آنان کسانی بوده‌اند که از اهل حدیث گزارش داده‌اند که امام علی در جمع اهل بیت حضور نداشته‌است (ر.ک؛ قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵: ۲۰، ۱۴۲).

۲-۳-۳. پیامبر مقصود معنایی انفسنا

برخی از متکلمان عامه چنین گمانی را از نظر دور ندانسته‌اند که مقصود از (انفسنا) می‌تواند شخص پیامبر باشد چنان که شخصی گوید خود را به انجام فلان کار دعوت کردم (ر.ک؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵، ۲۹۹).

۲-۳-۴. کودک بودن حسین

قاضی عبدالجبار به منظور کاستن بار معنایی افضلیت امام علی تا حد یک رابطه نسبی، طفل بودن امام حسن و امام حسین را دست‌مایه اثبات ادعای خود قرار داده‌است (ر.ک؛ همان).

۲-۳-۵. تقدیم مفضول بر فاضل

قاضی عبدالجبار تصریح می‌کند که در صورت اثبات افضلیت امام علی دلالت بر امامت وی نمی‌کند چون در ساختار مقام امامت بر طبق تعریفی که به دست می‌دهد برتری دادن مفضول بر فاضل رواست (ر.ک؛ همان).

۳. پاسخ شیعه

متکلمان شیعه در برابر مناقشات کلامی عامه کوشیده‌اند تا از قرائت و دستاوردهای معنایی امامیه از آیه مباهله با شیوه‌های منطقی دفاع نمایند.

۳-۱. رد معنای قرابت

متکلمان شیعه به منظور پاسخ به اشکال متکلمان اهل سنت ساختار موجود در رخداد آیه مباهله را نشانه آن می‌دانند که مفهوم آیه، افق معنایی فراتر از سطح معنایی قرابت در بر دارد؛ در واقع حضور اهل بیت گزینشی است که از میان نزدیکان رسول خدا گلچین شده‌اند و این رفتار انتخاب گرانه را نمی‌توان تا سطح یک قرابت صرفاً نسبی فروکاست؛ آنان در این راستا چنین پاسخ داده‌اند که اگر بنابر قرابت باشد شایسته می‌نمود پیامبر، عباس و فرزندان او و همچنین عقیل رانیز

در این رویداد به حضور می‌طلبید (ر.ک؛ سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۲، ۲۵۶؛ قاضی نور الله شوشتری، ۱۴۰۹: ۳، ۶۴).

۲-۳. اثبات حضور امام علی

چنانکه گفته شد، این ادعا آن اندازه بی‌مایه است که کمتر پژوهش‌گری بر آن شده تا وقت خود را به سمت اصل صدور این واقعیت مصروف نماید. قاضی عبدالجبار معتزلی نیز در حد یک گمانه‌زنی آن را به صورت خوانشی حاشیه‌ای طرح نموده است. با این حال سید مرتضی در برابر آن واکنش نشان داده است او می‌گوید محدثان و مفسران بر این اجماع دارند که اهل بیت در رویداد مباحله حاضر بوده‌اند او تعجبش را از کسانی که نام امام علی را فرو گذاشته‌اند، ابراز کرده، می‌افزاید: گمان نمی‌کنم کسی چنین ادعایی را نیکو شمارد (ر.ک؛ سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۲، ۲۵۴). گفتنی است در میان متکلمان عامه تا آنجا که جستجو نشان داده‌است، کسی یافته نشد تا بر این ادعا پای فشارد و اکثریت قریب به اتفاق آنان، حضور اهل بیت را در این رویداد تأیید نموده‌اند. در واقع در حوزه کلام، پرونده این موضوع سالیان متمادی است که بسته شده‌است. سخن کوتاه، کسانی از متکلمان اهل سنت که حضور اهل بیت را تأیید کرده‌اند عبارتند از: ابونعیم اصفهانی (۱۴۱۲: ۲، ۳۵۴)؛ قاضی عبدالجبار معتزلی (بی‌تا: ۲۰، ۱۴۲)؛ تفتازانی (۱۴۰۹: ۵، ۲۹۶)؛ عضدالدین ایجلی (۱۳۲۵: ۸، ۳۶۷)؛ قاضی عیاض (۱۴۰۷، ۲، ۱۰۶).

۳-۳. نفی برداشت پیامبر مقصود معنایی انفسنا

متکلمان شیعه از دیر زمان در مقام پاسخ‌گویی به چنین برداشتی برآمده‌اند. نمونه آن، سید مرتضی در واکنش به چنین ادعایی، قواعد ادبی و زبان‌شناختی محاوره و گفتگورا به رخ می‌کشد؛ سید مرتضی در این جستار می‌گوید: روا نیست مدعو در عبارت (انفسنا و انفسکم) رسول خدا باشد چرا که رسول خدا دعوت‌گر این مبارزه

جویی است زیرا در چارچوب زبان شناختی، دعوت کننده، خویشتن را فرا نمی خواند؛ شایسته آن است که دیگری مخاطب فراخوان دعوت گر باشد، چنانکه کسی خویشتن را مخاطب امر و نهی نمی سازد (ر.ک؛ سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۲، ۲۵۴). همین دلیل نیز در استدلال محمد حسین مظفر دیده می شود وی نیز چنین تعبیری که فرد خود را در معرض خطاب خویش جای دهد بر پایه قواعد دانش اصول روانی دارد (ر.ک؛ مظفر، ۱۴۲۵: ۴، ۴۰۴).

۳-۴. کمال عقلی امام حسن و امام حسین

چنانکه آمد، حضور امام حسن و امام حسین در مباحله را نشانی بر معنای قرابت حمل کرده اند. متکلمان شیعه در پاسخ به این اشکال بر آمده اند. سید مرتضی حضور امام حسن و امام حسین را در این سن، ناسازگار با کمال عقلی آنان ندانسته است؛ چرا که در رویداد مباحله امام حسن بیش از هفت سال داشته و امام حسین نزدیک به هفت سال بوده است. او می افزاید پایین بودن سن امام حسن و امام حسین از حد بلوغ هیچ منافاتی با کمال عقلی آنان ندارد؛ چرا که این حد صرفاً برای احکام شرعی وضع شده است و مانعی برای ظهور کمال عقلی در پایین تر از این حد نمی آفریند. او ادامه می دهد بر اساس مذهب امامیه خداوند حجاب عادات را برای امامان خرق نموده است اما اگر این حضور در نظر کسی غیر معمول جلوه نماید باید به خرق عادت بودن آن قائل گردد (ر.ک؛ سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۲، ۲۵۵).

گفتنی است اثبات حضور گزینش گرانه که در بخش رد معنای قرابت گذشت این اشکال نیز در پرتو آن حل می شود. علاوه بر این نزول آیه تطهیر و رویداد کساء قرینه ای است که با عطف به آن فرا عادی بودن این حضور معنادار ثابت می کند. سوم آنکه با این فرض که اراده پیامبر صرفاً بر اساس روابط خانوادگی تعلق گرفته باشد چرا سایر اعضای خانواده پیامبر بسان همسران ایشان

برای حضور در این جمع فرا خوانده نشدند؟ پس در این گزینش چنانکه برداشت‌های تفسیری مفسران از آن حکایت دارد از نزدیکی جایگاه و بسیاری مهر پیامبر خدا به امام حسن و امام حسین پرده بر می‌دارد. اینک پرسش آن است که آیا این ترجیح محبت از سوی برگزیده خدا میان اعضای خانواده‌اش بی‌آنکه هیچ تفاوتی میان دو سوی انتخاب وجود داشته باشد، انجام گرفته است؟ اگر چنین باشد آن، یک عمل کاملاً تبعیض آمیز است و در نزد خردمندان، انجام کار تبعیض آمیز، زشت است و نشاید رسول خدا که برخوردار از خلق عظیم است، سایه‌ای از آن بر عمل معصومانه‌اش نشیند. پس با این بیان روشن می‌شود که پیامبر طبق موازین خاصی که قرار است حقانیت دو دین آشکار گردد، گزینش گرانه شایستگان از امتش را برای اثبات نبوت و دینش در این آوردگاه حساس فرا خوانده است آن سان که آیات قرآنی از کوتاه و بلند و سوره‌های قرآن از کوچک و بزرگ در کنار هم برای پیامبر اعجاز آفریده‌اند این شمار اندک هم، در کنار هم صحنه اعجاز آمیزی از حقانیت رسول خدا رقم زده‌اند. چنان که نصاری نجران با دیدن همه این جمع از انجام مباحله سرباز زدند و در اعترافی تاریخی اذعان داشتند:

(فَقَالَ أَسْقُفُ نَجْرَانَ يَا مَعْشَرَ النَّصَارَى إِنِّي لَأَرَى وُجُوهًا لَوْ شَاءَ اللَّهُ أَنْ يُزِيلَ جَبَلًا مِنْ مَكَانِهِ لَأَزَالَهُ بِهَا فَلَا تُبَاهِلُوا فَتَهْلِكُوا فَلَمْ يَبْقَ عَلَيَّ وَجْهٌ الْأَرْضِ نَصْرَانِيٌّ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (ر. ک؛ ثعلبی، ۳، ۱۴۲۲: ۸۵؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۲، ۶۴؛ واحدی، ۱۴۱۶: ۴۷، ۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱، ۳۶۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۴۷، ۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۴۵، ۱؛ بیضاوی، ۱۳۸۴: ۲، ۲۰).

أَسْقُفُ نَجْرَانَ گفت ای گروه نصارا به راستی که صورت‌هایی را می‌نگرم که اگر از خدا بخواهند که کوهی از میان بردارد قطعاً چنین خواهد شد پس از مباحله صرف نظر کنید در غیر این صورت نابود خواهید شد آنچنانکه هیچ نصرانی تا قیامت روی زمین نخواهد بود.

بنابراین روا نیست حضور اهل بیت را در رخداد مباهله بر پایه پیوندهای ساده قومی و نسبی تفسیر کرد و از پیامدهای زیان‌بار معنایی آن آسوده گردید. پس اگر مباهله را بر بنیان آنچه از معنای افضلیت باز می‌تاباند، تفسیر نمود جایگاه اصیل معنایی اش بازمی‌تاباند در غیر این صورت آنچنان می‌شود که آمد. در صورتی که درک این حقیقت برای عده‌ای به هر دلیلی گران‌بار نماید، کافی است به دو صورت همسان آیه مباهله و آیه تطهیر توأمان نگریست در هر دو شواهدی می‌یابیم که رو به سوی می‌نهند که اعضای این جمع از یک برگزیدگی خارق‌العاده برخوردارند. گرد آمدن پنج تن زیر عبا و منع ام‌السلمه همسر مکرمه رسول خدا از اضافه شدن به این جمع، قرینه روشنی بر انحصار فضائی خاص برای این جمع است. آنچه جالب توجه می‌نماید آن است که در بعضی از روایت‌ها آمده است که در رخداد مباهله نیز پیامبر کسای خود را بر درختی انداخت و سپس با اهل بیتش به زیر آن گرد آمدند تا به مباهله با نصاری نجران برخیزند. از این رو است که شیخ مفید حضور اهل بیت را در رویداد مباهله به‌عنوان یک حجت و برهان برای اثبات نبوت پیامبر باز می‌شناساند (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱، ۱۷۰).

۳-۵. رد برتری مفضول بر فاضل

متکلمان شیعه به‌منظور پاسخ‌گویی به این اشکال از دو منظر عقلی و نقلی به نقد آن برخاسته‌اند. نمونه آن، علامه حلی در نفی چنین باوری به آیه ذیل استناد می‌ورزد:

﴿أَفَمَنْ يُهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (یونس/۳۵). آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آنکه هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟ و در نارو بودن عقلانی چنین ترجیحی گویند مثل این می‌ماند که حاکمی در عرصه هنر خطاطی یک خطاط مبتدی را بر ابن

مقاله سرآمد خطاطان روزگار بگمارد. پس چنین ترجیحی عقلاً قبیح است و نشاید از حکیمی چنین فعلی سرزند (ر.ک؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۲: ۳۰۹).

نتیجه

متکلمان فریقین در اصل حضور تاریخی اهل بیت در رخداد مباحثه کاملاً هم نظرند اما برداشت شیعه از آیه مباحثه به گونه‌ای است که در پرتو کاوش‌های عقلانی، پایه‌ای‌ترین بنیاد نظام اعتقادی شیعه را که در امامت بازتاب می‌یابد، با تأکید بر دلالت معنایی آیه مباحثه بر برتری، به اثبات رسانده‌اند اما متکلمان عامه در برابر، کوشیده‌اند آیه مباحثه را تنها در حد یک فضیلت ساده فرو کاهند؛ اما متکلمان امامیه با بهره‌گیری از همه عناصر عقلی در برداشت‌های زبان‌شناسانه، بسان رهیافت‌های ادبی، روایی و تفسیری، برداشت خود را خدشه‌ناپذیر ساخته‌اند.

پی‌نوشت

۱. لازم به ذکر است این نقل با عبارت دیگری نیز در منابع اهل سنت انعکاس یافته است: لا أجد أحداً فضلتني على أبي بكر و عمر إلا جلدته حد المقتري (ابن حزم، بی تا: ۱۱، ۲۸۶، ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۷، ۴۷۳).

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- آمدی، سیف‌الدین. (۱۴۲۳ق). *ابتکار الافکار فی اصول الدین*. قاهره: دارالکتب.
- اربلی. (۱۳۸۱ق). *کشف الغمه*. چ اول. تبریز: بنی هاشمی.
- ابن ابی شیبہ. (۱۴۰۹ق). *المصنف*. چ اول. بیروت: دارالفکر.
- ابن حزم. (بی تا). *محلّی*. بیروت: دارالفکر.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶ش). *کامل الزیارات*. چ اول. نجف: دار المرتضویه.
- ابن ماجه. (بی تا). *سنن*. بیروت: دارالفکر.
- ابن حنبل. (۱۴۱۹ق). *مسند*. بیروت. طبع الاولی. عالم الکتاب.
- ابونعیم اصفهانی. (۱۴۱۲ق). *دلائل النبوه*. چ سوم. بیروت: دارالفنائه.
- ایجی، عضدالدین. (۱۳۲۵ق). *شرح المواقف*. قم: الشریف الرضی.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله. (۱۳۶۰ش). *المقالات و الفرق*. چ اول. مرکز انتشارات علمی فرهنگی.
- بحرانی، ابن میثم. (۱۴۱۷ق). *النجاه فی القیامه*. چ اول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). *الصحيح*. بیروت: دارالفکر.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل*. چ اول. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بیاضی، علی بن یونس. (۱۳۸۴ش). *الصراط المستقیم*. چ اول. تهران. المکتبه المرتضویه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*. چ اول. بیروت: دار احیاء التراث.

- بیهقی، ابوبکر. (۱۴۱۵ ق). *دلائل النبوه*. چ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه. چ العربی.
- _____ . (بی تا). *سنن الکبری*. بیروت: دارالفکر.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ ق). چ ثانیه. *سنن*. بیروت: دارالفکر.
- تفتازانی، نام. (۱۴۰۹ ق). *شرح المقاصد*. چ اول. قم: الشریف الرضی.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ ق). *الکشف و البیان*. چ اول. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حلّی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر. (۱۴۱۳ ق). *کشف المراد*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- _____ . (۱۳۶۵ ش). *باب حادی عشر*. چ اول. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- _____ . (۱۴۰۹ ق). *الفین*، قم: هجرت، چ دوم.
- _____ . (۱۳۷۹ ش). *منهاج الکرامه*. چ اول. مشهد: مؤسسه عاشورا.
- دارمی، عبدالله ابن عبد الرحمن. (۱۳۴۹ ق). *سنن*. بی چا. دمشق. مطبعة الاعتدال.
- ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۹۰ ش). *براهین و نصوص امامت*. چ اول. قم: راند.
- زمخشری، *الکشاف*. (۱۴۰۷ ق). بیروت: دارالکتب العربی.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۲۵ ق). *الفکر الخالد*. چ اول. قم: مؤسسه امام صادق.
- سیّد مرتضی. (۱۹۹۸ م). *امالی*. چ اول. قاهره. دارالفکر العربی.
- _____ . (۱۴۰۵ ق). *رسائل*. چ اول. قم: دارالقرآن الکریم.
- _____ . (۱۴۱۰ ق). *الشافی فی الامامه*. چ دوم. تهران: مؤسسه الصادق.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۴ ق). *اعتقادات*. چ دوم. قم: کنگره شیخ مفید.
- _____ . (۱۴۱۴ ق). *امالی*. چ ششم. تهران: کتابچی.
- _____ . (۱۳۷۸ ق). *عیون اخبار الرضا*. چ اول. تهران: نشر جهان.
- _____ . (۱۳۶۲ ش). *خصال*. چ اول. قم: جامعه مدرسین.

- (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. چ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۴۰۳ق). *معانی الاخبار*. چ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۳۸۵ش). *علل الشرایع*. چ اول. قم: کتاب فروشی داوودی.
- صفار قمی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات*. چ دوم. قم: مکتبه آیہ المرعشی النجفی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی. (۲۰۰۸م). *تفسیر القرآن العظیم*. چ اول. اردن-اربد. دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، خواجه نصیر الدین. (۱۴۰۷ق). *تجربید الاعتقاد*. چ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *امالی*. چ اول. قم: دار الثقافه.
- (۱۴۰۲ق). *الاقتصاد فی ما یتعلق بالاعتقاد*. چ دوم. بیروت: دار الاضواء.
- عمر بن ابی عاصم. (۱۴۱۳ق). *السنه*. چ ثالثه. بیروت: المکتب الاسلامی.
- فاضل مقداد. (۱۴۲۰ق). *انوار الجلالیه*. چ اول. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- (۱۴۲۳ق). *اللوامع اللہیہ*. چ دوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فخر رازی ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. چ سوم. بیروت: احیاء التراث العربی.
- (۱۹۸۶م). *الاربعین فی اصول الدین*. چ اول. قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
- قاضی عبد الجبار معتزلی. (بی تا). *تشییت دلائل النبوه*. قاهره: درا المصطفی.
- بی چا.

- (۱۹۶۵م). *المعنی*. قاهره: الدار المصریه. بی چا.
- قاضی عیاض. (۱۴۰۷ق). *الشفاء بتعریف حق المصطفی*. چ دوم. عمان، دار الفحیاء.
- قاضی نور الله شوشتری. (۱۴۰۹ق). *احقاق الحق*. چ اول. قم: مکتبه آیه المرعشی النجفی.
- قندوزی. (۱۳۶۴ق). *ینایع الموده*. چ الاولى. قم: دار الاسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). *الکافی*. چ اول. قم: دار الحدیث.
- لاهیجی، فیاض. (۱۳۸۳ش). چ اول. *گوهر مراد*. تهران. نشر سایه.
- لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳ش). *تفسیر لاهیجی*. چ اول. تهران: دفتر نشر داد.
- مجلسی محمد باقر. *بحار الانوار*. (۱۴۰۳ق). چ ثانیه. بیروت: موسسه الوفاء.
- مظفر، محمد حسین. (۱۴۲۲ق). *دلایل الصدق*. چ اول. قم: موسسه آل البيت.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الفصول المختاره*. چ اول. قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۳ق). *تفضیل امیر المؤمنین*. چ اول. قم: المؤتمر العالمی.
- (۱۴۱۳ق). *اوائل المقالات*. چ اول. قم: المؤتمر العالمی.
- (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفته حجج الله علی العباد*. چ اول. قم: کنگره شیخ مفید.
- معینی فر، محمد و لیلا سادات داوودی. (۱۳۹۷). *امامت در آیه مباحله از دیدگاه امامیه و اشاعره*. پژوهشنامه مذاهب اسلامی. ش ۱۰، ص ۱۴۱-۱۵۷.
- مغربی، محمد بن نعمان. (۱۴۰۹). *شرح الاخبار*. چ اول. قم: جامعه مدرسین.
- نجفی، محمد جواد و سید محمد تقی موسوی کراماتی. (۱۳۹۴). *آراء تفسیری مفسرا معاصر پیرامون آیه مباحله*. مطالعات تفسیری. قم: دانشگاه معارف اسلامی. ش ۲۱. ص ۱۴۳-۱۶۰.
- نسایی، احمد بن علی. (۱۴۱۱). *سنن الکبری*. چ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- نیشابوری، مسلم بن حجاج. (بی تا). صحیح. بیروت: دارالفکر.
- واحدی. (۱۴۱۶ق). الوسیط فی تفسیر القرآن المجید. ج اول. قاهره: وزاره الاوقاف.

